

تعاون در تعاونی‌ها

بررسی اصل ششم از اصول جهانی تعاون

چند پیشنهاد به اتحادیه بین‌المللی تعاون • مهندس محمد رضا عباسی

نهضت تعاون همه مردم را دعوت به همکاری، اشتراک‌مسابی، برابری اجتماعی و اقتصادی می‌کند و بر آن است همه گروه‌های اجتماعی، ملل، اقوام و نژادها در یک خانواده سعادتمند، مرفه و منصف زندگی مطلوبی داشته باشند. بر پایه این مقصد و آرمان، هیچ گروه، ملت، قوم و نژادی نمی‌تواند این نهضت را متعلق به خود بداند، آن را در انحصار خود درآورد و یا به دلیل عضویت در نهضت، ادعای برتری و تسلط بر دیگران را در سر بپروراند.

مقدمه

نهضت تعاونی مکتبی «جهانشمول» است. این نهضت دارای ماهیت و خصلتهای «عام» و «فراگیر» جهانی می‌باشد. یعنی از بدو پیدایش و تولد، خود را برای گروه، رنگ، نژاد، جنسیت و جغرافیای خاصی تعریف و معرفی نکرده است. اکنون نیز پس از سالیان متمادی، هنوز هم این ویژگی مثبت و ارزنده را پا برجا و استوار نگه داشته است. از سویی نیز، ماهیت و فلسفه این نهضت بسا سرنوشت و ذات انسانها سازگاری تنگاتنگ دارد و از همین رو است که نهضت تعاونی در توسعه و گسترش تعاونگرایی تا اقصی نقاط گیتی موفقیت شایانی داشته است. به دیگر سخن کلیه انسانها از هر نژاد و با هر عقیده، رنگ، جنسیت، جغرافیا و شرایط خاص خود می‌توانند به این نهضت بپیوندند و از

مواهب و نعمتهای آن بهره‌برداری کنند. تمامی انسانهای علاقمند و ساکن در هر نقطه از جغرافیای جهان، در صورت مساعد ساختن شرایط برای آنان حتی حق دارند و می‌توانند در صورت تمایل به عضویت این نهضت درآیند. نهضت تعاون همه مردم را دعوت به همکاری، اشتراک‌مسابی، برابری اجتماعی و اقتصادی می‌کند و بر آن است همه گروه‌های اجتماعی، ملل، اقوام و نژادها در یک خانواده سعادتمند، مرفه و منصف زندگی مطلوبی داشته باشند.

بر پایه این مقصد و آرمان، هیچ گروه، ملت، قوم و نژادی نمی‌تواند این نهضت را متعلق به خود بداند، آن را در انحصار خود درآورد و یا به دلیل عضویت در نهضت، ادعای برتری و تسلط بر دیگران را در سر بپروراند. در همین راستا، نهضت تعاونی

که خود را مربوط به همه ملل دنیا می‌داند، در طول حیات خویش با هر گونه برتری‌طلبی و تبعیض مبارزه جدی داشته است. ضمن آن که اصول اساسی این نهضت همواره بر حفظ و گسترش استقلال گروهی و ملی و نیز توسعه شخصیت فردی و اجتماعی اعضای خود بوده و بر آن اهتمام فراوان ورزیده است.

با عنایت به مطالب یاد شده، نهضت تعاونی یک نهضت بین‌المللی و جهانشمول است. این امر گوهری است که از آغاز تا کنون بر تارک این نهضت درخشیده است و در جهان پیچیده و پر تلاطم امروز نیز به نحوی خیره‌کننده‌تر نمایان است. نهضت تعاونی برخی ساز و کارها، تشکیلات، سیاست‌ها و محملهای بین‌المللی مناسب را برای تحقق و گسترش این خصلت خود (جهانشمولی) تنظیم و پیش‌بینی کرده است

و آن را تاکنون نیز حفظ کرده است. در رأس این ساز و کارها، سازمانی با نام «اتحادیه بین‌المللی تعاون» قرار گرفته است که دارای ساختار، تشکیلات و اهداف بین‌المللی می‌باشد.

اتحادیه بین‌المللی تعاون با ایجاد و توسعه تشکیلات خود تا سطوح منطقه‌ای و ملی تا قلب اغلب جوامع جهان ریشه دوانیده و شرایط را به نحوی فراهم ساخته تا تشکیلات این اتحادیه به هم پیوند داشته باشند.

بیش از یکصد سال است که از عمر اتحادیه بین‌المللی تعاون می‌گذرد. این اتحادیه که در نوزدهم اوت ۱۸۹۵ در لندن آغاز به کار کرد و در سال ۱۹۹۵ جشن یکصد ساله شدن خود را در سراسر جهان جشن گرفت، مهم‌ترین اهداف خود را به شرح زیر بیان داشته است:

- ارزش بخشیدن و دفاع از اصول تعاونی.
- حمایت از پیشرفت‌های اقتصادی و اجتماعی جمعیت‌هایی که در این راه به صلح و امنیت بین‌المللی یاری می‌رسانند.
- مساعدت و یاری نمودن سازمان‌های عضو در جهت برقراری روابط اقتصادی یا سایر موارد و به نفع طرفین.
- توسعه نیروی انسانی نهضت تعاونی (آموزش، مدیریت نیروی انسانی، سیاستگذاری و ...).

با توجه به اهداف فوق و عملکرد اتحادیه می‌توان بیان نمود که فعالیتهای تعاونی‌ها و تعاونگران با برخورداری از وحدت رویه و نیز همسویی پندار و کردار تعاونگران از ارمغان‌های اتحادیه بین‌المللی تعاون است. این اتحادیه و اتحادیه‌های ملی و منطقه‌ای مرتبط با آن، زنجیره‌های تشکیلات سازمانی نهضت جهانی تعاون هستند که فعالیت سازمان‌های تعاونی در کشورها را نظم منطقی بخشیده و به ویژه به آنها بعدی جهانی و فراملیتی می‌دهند.

علاوه بر این، اتحادیه بین‌المللی تعاون یک سازمان مطالعاتی و پژوهشی نیز هست. این اتحادیه در ابعاد گوناگون تعاون، اعم از الگوها، روشها، رویه‌ها، کارکردها و

نیز به کارگیری هر یک در فرآیند توسعه و گسترش تعاون در جوامع، پژوهشها و مطالعات فراوانی انجام داده است. نکته جالب و قابل اهمیت دیگر آن است که اتحادیه بین‌المللی تعاون از بدو پیدایش تاکنون مصمم و فعال راه خود را ادامه داده و بحرانها و تحولات اجتماعی و اقتصادی در جهان نتوانسته است در مقایسه با سازمان‌های بین‌المللی دیگر، آسیبی به آن وارد سازد. زیرا از آغاز پیدایش تاکنون نام این اتحادیه دچار تغییر نشده است، در هیچ برهه‌ای از خود تزلزل نشان نداده و منحل نیز نشده است. در همه بحرانها و از جمله بحرانهای ناشی از جنگ جهانی، انسجام و سازمان خود را به نحوی مطلوب حفظ کرده است و هنوز هم حیات پویای خود را به نحوی مؤثر ادامه می‌دهد.

اتحادیه بین‌المللی تعاون و اصول تعاونی

نکته روشن و بارزی است که هر یک از مکاتب اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارای فلسفه، ایدئولوژی و اصول منحصر به فردی است که ساختار، اهداف، سیاستها و فعالیتهای هر مکتب متأثر از آن است. در همین راستا نهضت تعاونی به منزله یک مکتب اقتصادی و اجتماعی نیز دارای اصول خاص خود می‌باشد که بنای اولیه آنها از «راچدیل» ناشی شده است.



اتحادیه بین‌المللی تعاون و دفاتر منطقه‌ای آن از آغاز تاکنون، همواره بخش مهمی از نیروی خود را صرف «جامع»، «فراگیر» و «به روز» در آوردن اصول تعاونی و سازگار ساختن این اصول با نیازهای سازمان‌های تعاونی در شرایط نوین اقتصاد امروز کرده‌اند ...

همان طور که اشاره شد، اصول تعاونی بر پایه اندیشه‌های پیشگامان نهضت تعاونی (راچدیل) در قرن نوزدهم پایه ریزی شده است و برای همه شرکت‌های تعاونی از هر نوع، با هر هدف و در هر کجا لازم الاجرا هستند. اتحادیه بین‌المللی تعاون، اصول اولیه راچدیل را در موارد متعدد و به ویژه در سال ۱۹۸۶ میلادی مورد تجدید نظر کلی قرار داد و در سال ۱۹۹۵ نیز در کنگره، یکصدمین سالگرد فعالیت این اتحادیه مجدداً مورد بررسی نهایی قرار داده و در ماه آوریل همان سال به تصویب رساند.

هم اینک اصول تعاونی شامل هفت اصل اساسی است که از سوی اتحادیه بین‌المللی تعاون در تجدید نظر نهایی تنظیم و منتشر شده که به شرح ذیل است:

- اصل اول: عضویت آزاد و داوطلبانه
- اصل دوم: کنترل دموکراتیک اعضاء
- اصل سوم: مشارکت اقتصادی اعضاء
- اصل چهارم: خودگردانی و استقلال
- اصل پنجم: آموزش، پرورش و اطلاع رسانی

اصل ششم: تعاون در تعاونی‌ها

اصل هفتم: توجه به مسائل جامعه

«اصول» مبنای حرکت و جهت دهنده جریان فعالیتهای به سوی اهداف در چارچوب فلسفه و ایدئولوژی هر مکتبی است. از این رو، لزوم وجود آن در هر مکتبی احتیاج‌ناپذیر است. در واقع نمی‌توان مکتبی را یافت که ساختار و اهداف آن بر اصولی استوار نباشد. برای اقتصاد تعاون نیز این اصول بسیار ضروری و مغفتم است. برخی از مهم‌ترین مزایای «اصول تعاون» را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

- ساختار تعاون و تعاونی‌ها در همه سطوح سازمان و نیز سطوح جغرافیایی قالب

واقعی، یکسان و کارکردهای منسجم را به خود خواهند گرفت.

- نگرش مردم و تعاونگران را به سوی نهضت تعاونی پیش از پیش متمایل و مثبت می‌سازد.

- شعار، رهنمود و توصیه‌های اساسی برای توسعه تعاونی‌ها در جهان هستند.

- همه تعاونگران را متقاعد می‌سازد که سیاست، خط مشی، رویه‌ها و فعالیت‌های خود و سازمان خویش را بر آن اصول استوار نمایند.

- عمده‌تأ توصیه‌ها و قواعدی بالنده با خصیصه و ماهیت عملی و کاربردی هستند. (شعارگونه نیستند).

- برخواسسته از فلسفه و ذات تعاون می‌باشند. از این رو، اصولی بهره‌مند از یک ایدئولوژی و فلسفه اصیل می‌باشند.

- از روحیه انعطاف‌پذیری کافی برخوردارند. (اصول تعاون، همه انواع تعاونی‌ها را در هر موقعیت اجتماعی اقتصادی، فرهنگی و جغرافیایی، کاملاً پوشش می‌دهد و کاربرد این اصول در همه شرایط مزبور میسر و امکان‌پذیر است).

- متضمن دستورهای مستبدانه نیستند و تعاونی‌ها را ملزم به ترغیب به رفتار و اطاعت کورکورانه نمی‌کنند.

- شاخصها، معیارها و ملاک‌های معتبری هستند که می‌توان بر اساس آنها چگونگی فعالیت‌های هر شرکت تعاونی را مورد سنجش، قضاوت و داوری قرار داد.

هفت اصل اساسی تعاون از یک خاستگاه مشترک نشأت گرفته‌اند. به نحوی که هر یک حلقه‌ای از زنجیره فلسفه تعاون محسوب می‌شوند. همپوشان، مکمل و تکامل دهنده یکدیگرند که سیستم اقتصادی تعاونی را تشکیل و تعریف می‌کنند.

با توجه به مراتب یاد شده به نظر می‌رسد منطقی‌ترین شاخص ارزیابی موفقیت هر شرکت تعاونی، سنجش میزان وفاداری اهداف، برنامه‌ها و فعالیت‌های آن به اصول اساسی تعاون است. زیرا، این اصول همه ابعاد و جنبه‌های نظری و عملی نهضت تعاون را که همه تعاونی‌ها باید عملاً پیرو

آن باشند، مورد توجه جامع خویش قرار می‌دهد.

اصل ششم از اصول تعاون

اصل ششم از اصول تعاون همواره در برهه‌های مختلف مورد توجه محافل، سازمان‌های ناظر بر امور تعاونی‌ها و نیز اغلب تعاونگران بوده است. اتحادیه بین المللی تعاون نیز از شروع تأسیس خود در این زمینه بحث و بررسی‌های متعددی انجام داده است تا این که در بررسی‌های منتهی به سال ۱۹۶۶، آن را به عنوان یک «بند» مستقل مورد توجه قرار داده و مطرح ساخت.

بررسی‌ها کماکان ادامه یافت تا بالاخره در سال ۱۹۹۰، اتحادیه بین المللی تعاون آن را به عنوان یک «اصل» اساسی و مستقل مطرح ساخت. انگیزه این امر نیز آن بود که تصور می‌رفت تنها راه رسیدن به توان بالقوه تعاونی‌ها و به فعل درآوردن آن برای همکاری جدی سازمان‌های تعاونی با یکدیگر، اجرای این اصل است. در این صورت است که نهضت تعاون به اهداف خود که همانا توسعه، گسترش و بالندگی سازمان‌های تعاونی است، دست خواهد یافت.

بر اساس مصوبه اتحادیه بین المللی تعاون، اصل ششم، تحت عنوان «تعاون در تعاونی‌ها» مطرح شده است که از همان ابتدا از سوی تعاونگران، این اصل به منزله یک اصل توسعه یافته و مؤثر و خلاق مطرح نظر قرار گرفت و پیشنهاد آن به جامعه جهانی تعاون، نشان از دور اندیشی و نگرش عمیق تنظیم‌کنندگان آن به جهان پیچیده و اقتصاد بحران زده امروز است.

بر پایه اصل ششم، اتحادیه بین المللی تعاون به همه سازمان‌های تعاونی در جهان یادآور می‌شود که «تمام شرکت‌های تعاونی برای انجام موفقیت‌آمیز وظایف، مسئولیت‌ها و رسالت‌های خویش را که همانا ارائه بهترین خدمات به اعضاء و جامعه و برخوردار نمودن آنان از خدمت و نعمات تعاون است، بسیار ضروری است تا به هر طریق ممکن و به شیوه‌ای فعال با سایر تعاونی‌ها در همه سطوح ملی، منطقه‌ای و

بین المللی همکاری داشته باشند». در واقع اصل ششم از اصول تعاون را می‌توان به تعبیری چنان بیان کرد که: «برای پویایی و توسعه، شرکت‌های تعاونی با سایر تعاونی‌ها در همه سطوح همکاری داشته باشند». به این ترتیب، شرایط اصلی اجرای این اصل وجود ارتباط برای مساعدت، همکاری، همیاری و همبستگی مابین شرکت‌های تعاونی است.

همکاری در تعاونی‌ها

«همکاری» ماحصل و نتیجه رویکرد «ارتباط» است. ارتباط نیز رویکردی است که عامل و موجب «زندگی اجتماعی» شناخته شده است. اگر ارتباط و ارتباطات در جنبه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی وجود نداشته باشد، اندیشه و عمل انسان‌ها، ایستا، ساکن و محبوس در «زمان» و «مکان» حال و گذشته خواهد بود. این امر در مورد «سازمان‌ها» نیز مصداق دارد. یعنی اگر هر سازمانی با سازمان‌های دیگر (علاوه بر روابط پویای درون سازمانی)، ارتباط و مناسبات علمی، اقتصادی، فنی و اطلاعاتی داشته باشد، یقیناً فرآیند رشد و توسعه آن سازمان، آهنگی شتابان‌تر و فزاینده‌تر به خود خواهد گرفت. این در حالی است که هر یک از سازمان‌های تعاونی نیز می‌بایست به این امر توجه داشته باشند و مطمئن باشند که به رویکرد «ارتباط» فرا سازمانی نیازمند خواهند بود. می‌توان انتظار داشت یکی از عوامل عمده عدم پیشرفت و توسعه در برخی سازمان‌های تعاونی آن است که «ارتباط» مؤثر و پویا با دیگر سازمان‌ها و از جمله سازمان‌های تعاونی ندارند و حصار بی‌دور خود تنیده و دنیار را صرفاً در آن می‌بینند.

شرکت‌های تعاونی به همان اندازه که به خود وابسته‌اند، به دیگران نیز نیاز دارند. هنگامی که نیاز متقابل برای اداره یک شرکت تعاونی ضرورت پیدا می‌کند، راه حل آن تنها در گرو برقراری «ارتباط» و «همکاری» با دیگر شرکت‌ها و سازمان‌ها خواهد بود. اساساً از جنبه «شناخت» تعاون به مفهوم فعالیت «مشترک» و توأم انسان‌ها و نیز تنظیم امور اقتصادی خویش بر پایه

علائق «مشترک» است. بر این باور، زبان مشترک تعاونی‌ها، یک زبان اقتصادی مشترک است که اقتصاد تعاونی نام دارد. از این رو، داشتن زبان مشترک می‌تواند در تسهیل ارتباط مابین آنان و مالا همکاری و درک متقابل را تسریع سازد. در این راستا، شرکتهای تعاونی باید سعی کنند در سطوح ملی منطقه‌ای و بین‌المللی بدون هیچ‌گونه برتری‌طلبی، با همکاری هم امور اقتصادی خویش را به نحوی مؤثرتر و گسترده‌تر توسعه بخشند و خود را یکی از اعضای خانواده جهانی تعاون ببندارند. هر یک از اعضای این خانواده، مسئول است یا نگاهی «مشارکت جویانه» مسائل و مشکلات خود را با سایر اعضای آن بر پایه اصول تعاون و رهنمودهای زیربند حل و فصل کند.

ارتباط بین تعاونی‌ها در ابعاد ملی و بین‌المللی هنگامی پویاتر خواهد شد که ضمن برآورده ساختن نیازهای همدیگر و تحقق بخشیدن به اهداف خویش که همانا نهضت جهانی تعاون خواهد بود، با همکاری و مشارکت یکدیگر «منابع» خود را غنی‌تر

سازند. غنای منابع نیز هنگامی تحقق خواهد یافت که هر سازمان تعاونی خود را متصل به یک زنجیره و شبکه ارتباطی گسترده‌تر و وسیع‌تر کند. در چنین شبکه‌ای گردش اطلاعات و تجارب و میادلات اقتصادی نه تنها بسیار روان و سیال و استفاده از آن سهل‌تر و آسان‌تر خواهد بود، بلکه در ابعادی گسترده، جدید، جامع و کافی صورت خواهد پذیرفت.

هدفهای اختصاصی اصل ششم

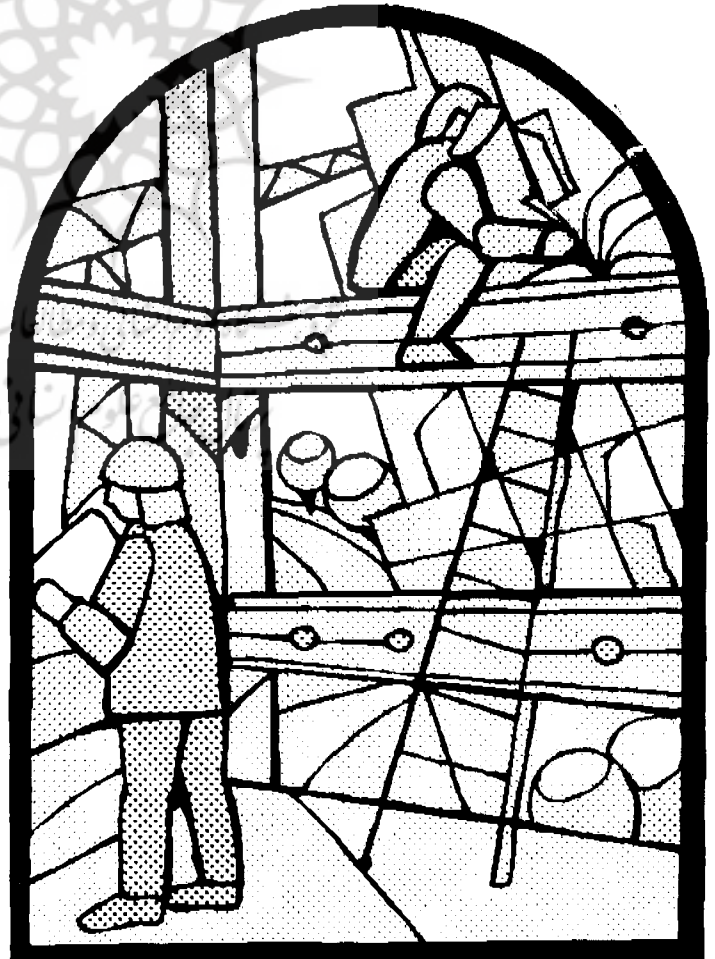
بر پایه اصل «تعاون در تعاونی‌ها» سازمانهای تعاونی باید سعی کنند ضمن بهره‌برداری از مزایای روابط اقتصادی در سطوح محلی، استقلال و مالکیت و منابع اعضای خود، از امکانات و منابع سازمانهای گسترده و بزرگ بهره‌مند شوند. ایجاد تعادل و توازن بین خواسته‌های اعضا کمی مشکل و چالش برانگیز است.

برای حفظ بقای تعاونی‌ها راهکار موجود بهره‌گیری از تجارب و اطلاعات (در کنار بهره‌گیری از داد و ستدهای اقتصادی)

سایر تعاونی‌ها خواهد بود. اصل ششم تعاون به سازمانهای تعاونی سراسر جهان توصیه می‌کند نسبت به فراهم ساختن زمینه‌های مناسب سرمایه‌گذاری مشترک تجاری مبادرت ورزند. در این مسیر، از همکاری و همیاری هم استفاده کنند، با دقت و توجه کافی به این امر مبادرت ورزند، همگام با علائق و نیازهای اعضا عمل نمایند و برای ارتقاء سطح خواسته‌ها، اعضا فعالیت‌های مشترک را محور توجه و تفکر قرار دهند.

در ظاهر امر، پیروزی بر مسائل و مشکلات در صورت حمایت اعضا آسان به نظر می‌رسد، اما باید توجه داشت که همیشه حمایت‌های اعضا برای حل مشکلات کافی نیست. عاقبت الامر حمایت اعضا چشم‌پوشی از حجم اندک سرمایه‌گذاری از سوی آنان است. بنابراین، هر تعاونی، نیز با حمایت از سوی سازمانهای تعاونی، گسترده و غنی از منابع و امکانات و نیروی انسانی بالنده است. در تعاونی‌ها، همواره خواسته‌ها و علائق جمعی مطرح است که اساس آن بر همبستگی و رعایت اصول تعاون و تعاونگری استوار است. از همین رو، حمایت سازمان یافته از تعاونی‌ها برای نیل به اهداف و حل مشکلات در شرایط پیچیده اقتصاد امروز، یک امر اجتناب‌ناپذیر است. هنگامی که «تعاون» و «تعاونی‌ها» با دولتهای مقتدر و نظام سرمایه‌داری افسار گسیخته مواجه است، صرفاً راه نجات عبور از جاده تعاون تعاونی‌ها یعنی پیوسته شدن سازمان‌های تعاونی جهان برای تشکیل «جنبش متحد تعاون» است.

هدف اساسی، «اصول» در هر مکتب به منزله خط‌نگه دار استراتژیها، اهداف، ساختار و فعالیتها در چارچوب ایدئولوژی و فلسفه آن مکتب است. بر این باور، هدف عمده اصل ششم تعاون نیز شفاف ساختن بستر حرکت برای سازمانهای تعاونی در چارچوب فلسفه تعاون است. اما با این وجود برخی اهداف اختصاصی دیگر برای تنظیم اصل ششم مرد توجه قرار گرفته است که برخی از آنها از سوی اتحادیه بین‌المللی تعاون، سازمانها و تعاونگران به



شرح ذیل برشمرده شده است:

- رشد و توسعه پندار و کردار برای همکاری متقابل و متعامل اعضای نهضت تعاونی در سراسر جهان.

- نیل به همکاری در راستای تأمین نیازهای مشترک اعضاء.

- وارد شدن همه تعاونی‌ها به حیطه همکاری و اشتراک مساعی در زمینه‌های گوناگون و سطوح مختلف سازمانی و جغرافیایی.

- خودیاری و همیاری تعاونی‌ها و اعضای آنها برای تعیین سرنوشت خود و تعاونی خویش.

- نیل شدن به اصل انصاف و عدالت در عرصه‌های اقتصاد ملی و بین‌المللی.

- تقویت و توسعه همبستگی ما بین تعاونی‌ها و نیز با نهضت تعاون برای تشکیل جبهه متحد اقتصاد تعاونی در جهان.

- و ...

با این وصف، با عنایت به موارد یاد شده می‌توان دریافت کرد که جوهره و ذات اصل ششم بر همبستگی و همکاری سازمانهای تعاونی تأکید می‌ورزد. احساس مسئولیت، فراهم ساختن منافع و به‌ارمغان آوردن یک زندگی توأم با رفاه، سعادت، عدالت و انصاف برای اعضاء تعاونی‌ها و لاجرم ساماندهی و هماهنگی و تأمین آرمانه‌های نهضت جهانی تعاون در سطوح محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی از طریق همکاری و همبستگی است.

ارمغانهای اصل ششم

اجرای مطلوب و مؤثر اصل ششم از اصول تعاون یعنی تعاون در تعاونی‌ها ارمغانهای مؤثر و ارزشمندی را برای دنیای تعاون به همراه دارد از جمله: اجرای اصل ششم، طبیعتاً بر پایه تبادل تجارب و مبادلات علمی، فرهنگی، فنی و اقتصادی صورت خواهد گرفت.

از این رو، سازمانهای تعاونی در دراز مدت در سراسر جهان به یک وحدت رویه پیشتاز و توسعه یافته نیل خواهند شد. وحدت رویه‌ای که بر اساس مطالعه، تجربه

این ادعای درستی است که بگوییم در

عصر حاضر «تعاونی» یک اهرم اقتصادی

برای توسعه ممالک جهان است. اما،

هنگامی تعاون یک اهرم توسعه اقتصادی

خواهد بود که دنیای تعاون درون خویش

را با اصول، فلسفه و قواعد تعاون به مفهوم واقعی مزین و آراسته کند.

و شور و مشورت‌های فراوان حاصل می‌شود.

- یکی از ارمغانهای اجرای مؤثر و منطقی اصل ششم، فراهم ساختن شرایط مناسب برای برآورده ساختن هر چه بهتر نیازهای اعضای تعاونی‌ها خواهد بود. در صورت وقوع این رخداد جذابیتها، امتیازات و سودمندی‌های نهضت تعاون بر همه مردم جهان عیان‌تر و آشکارتر خواهد شد. این امر موجب می‌شود، نگرش، تمایل و احساس بخش بیشتری از مردم جهان به تعاون و تعاونی‌ها مثبت شود. در نتیجه فرهنگ تعاون در بین مردم ترویج و گسترش یافته و به سوی نهضت تعاونی جلب و جذب خواهد شد.

- اجرای واقعی اصل ششم، در واقع موجب می‌شود علاوه بر اطلاعات، تجارب و فن آوری روز، تعاونی‌ها از منابع یکدیگر به نحو مطلوب‌تری بهره‌برداری کنند. هر تعاونی احتیاجات خود را از تعاونی‌های با امکانات وسیع‌تر به شیوه‌های منصفانه ابداع می‌کند و در دنیای تعاون نیز چرخهای اقتصادی پویاتر و جامع‌تر به حرکت در خواهد آمد. همه تعاونی‌ها از منابع عظیم نهضت تعاونی بهره‌مند می‌شوند و از این رو، هر تعاونی بیش از پیش قادر خواهد شد منافع اعضای خود را تأمین یافته‌تر ببیند.

- با اجرای دقیق و مسئولانه اصل ششم، جبهه متحد تعاون شکل واقعی‌تر به خود خواهد گرفت و در قبال بی‌عدالتی اقتصادی و سایر عوامل و سازمانهایی که منافع خود

را به نوعی با اقتصاد تعاونی متعارض می‌پندارند، بسیار قوی‌تر و موفق‌تر عمل خواهد کرد. به نحوی که نفوذ عوامل بیگانه به این جبهه را مشکل و کنترل یافته‌تر خواهد ساخت.

- اصل ششم نه تنها موجب موفقیت‌های گوناگون برای نهضت تعاون در سراسر جهان می‌گردد، بلکه نکته مهم آن است که به موجب موفقیت در اجرای این اصل، همه تعاونگران تشویق خواهند شد سایر اصول تعاون را به اجرا درآورده و از آنها پیروی کنند. بنابراین با اجرای اصل ششم، بستری مناسب برای پیروی و اجرای اصول تعاونی فراهم خواهد شد که این خود یک پیروزی بزرگ برای نهضت جهانی تعاون است.

- در وضعیت کنونی، تفاوت فاحشی در بین میزان رشد و توسعه در برخی سازمانهای تعاونی در سطوح ملی، محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی مشاهده می‌شود. گاهی دیده می‌شود که سازمانهای تعاونی به دلایل مختلف با شکست مواجه شده و حتی پس از مدتی فعالیت، منحل می‌شوند. همچنین سازمان ملی تعاون در برخی ممالک نسبت به سایر کشورها از رشد و توسعه بیشتری برخوردارند. اگر این تفاوت توسعه یافتگی و علل موفقیت یا عدم آن در سازمانهای تعاونی مورد بررسی جدی قرار گیرد، می‌توان دریافت که یکی از علل مهم توسعه نیافتگی وجود رفتارهای نامطلوب و مخالف با اصول و فلسفه تعاون است.

این در حالی است که اگر اصل ششم از اصول هفتگانه تعاون به نحوی مناسب و درخور به اجرا درآید، به دلیل مناسبات به وجود آمده و تشویق اعضاء، مدیران و کارکنان تعاونی‌ها به پندار و کردار اصیل تعاونی، پندارها و کردارهای نامطلوب و متعارض با اصول تعاون زایل خواهد شد. این امر، در گسترش و ارتقاء سطح سلامتی سازمانهای تعاونی و فعالیت‌های تعاون‌گراانه اثر مطلوبی به جا خواهد گذاشت.

این ادعای درستی است که بگوییم در عصر حاضر «تعاونی» یک اهرم اقتصادی برای توسعه ممالک جهان است. اما، هنگامی

تعاون یک اهرم توسعه اقتصادی خواهد بود که دنیای تعاون درون خویش را با اصول، فلسفه و قواعد تعاون به مفهوم واقعی مزین و آراسته کند. بدیهی است یک اقتصاد تعاونی رنجور و غیر وقادار به مفاهیم و قواعد بنیانی تعاون، نه تنها اهرم توسعه اقتصادی محسوب نخواهد شد، بلکه خود مانعی بزرگ در راه توسعه اقتصادی جامعه ذریبط است و شرایط، بستر و زمینه را برای توسعه اقتصاد و سرمایه داری و دولتی فراهم خواهد ساخت. از این رو، اجرای منطقی و واقعی اصل ششم موجب می‌گردد نهضت تعاونی نقش بالنده و توسعه گرانه خود را بهتر بازی کند و اجرای سیاستهای عدالت خواهانه و دولتهای مردمی را در بخش اقتصاد بر عهده گیرد و ارمغان این بالندگی تعاونی‌ها، بهبود یافتن زندگی، کار، تولید، سطح درآمد و وضعیت اجتماعی و اقتصادی مردم خواهد بود که این امر از شاخصهای توسعه اقتصادی است.

اصل ششم یک جریان حیات بخش برای جنبش جهانی تعاونی است. این اصل را میتوان به نخ یک تسبیح تشبیه نمود که همه سازمانهای تعاونی را در سراسر جهان در کنار هم قرار می‌دهد. ارمغان مجاورت این سازمانها، در واقع هم سوئی، هماهنگی و سازماندهی مناسب آنها برای نیل به هدف مشترک خواهد بود و در کنار یکدیگر موجب می‌شود از نیازه‌ها، داشته‌های یکدیگر مطلع شده، همکاری، اشتراک مساعی و مناسبات و مبادلات، مناسبی با هم داشته باشند. در نتیجه، سرمای نهضت تعاون، از منظر مردم و دولتها روشن، شفاف، امیدوار کننده و بسیار جذاب و مؤثر خواهد بود.

چند پیشنهاد به اتحادیه بین المللی تعاون

برای در دست داشتن اهرمهای اجرایی کافی و کامل برخی توصیه‌ها و پیشنهادات به ذهن خطور می‌کند. چنانچه اصل ششم همانند سایر اصول تعاون از ضمانتهای اجرایی کافی برخوردار نباشد، آیا می‌توان

امیدوار به بهره برداری از آن توسط سازمانهای تعاونی بود؟ در این راستا، ارائه چند پیشنهاد زیر به اتحادیه بین المللی تعاون می‌تواند راهگشا باشد:

- گرچه اتحادیه بین المللی تعاون با تنظیم و توصیه اصل ششم، تأکیدی بنیایی بر مسأله ارتباط و نقش همکاری در توسعه و پیشرفت دنیای تعاون کرده است، اما نکته حائز اهمیت آن است که این اتحادیه باید ترتیبی اتخاذ کند تا مدیریت و رهبری کلیه سازمانهای تعاونی در جهان را بر اساس قواعد مناسبی که تنظیم، تدوین و توصیه خواهد نمود، برای اقدام به اجرای اصل ششم متقاعد سازد. تنها در این صورت است که همه مدیران و رهبران تعاونی‌ها از اهمیت موضوع آگاه شده و راغب خواهند شد، همکاری «برون سازمانی» تعاونی تحت مدیریت خود را بر اساس قواعد و ضوابط شخصی جدی تلقی کنند و حتی آن را یک توضیح لازم الاجرا و حتی یک مسئولیت یا مأموریت اجتناب ناپذیر خویش تصور کنند.

- به موجب اصل ششم از اصول تعاونی ارتباط و همکاری صرفاً برقراری مناسبات و مبادله افکار و عقاید فی‌مابین سازمانهای تعاونی نیست، بلکه این رویکرد ابعاد اقتصادی را نیز شامل می‌شود، شاید بتوان با فراتر گذاشته و هدف عمده این اصل را

همکاری و ارتباط اقتصادی تعاونی‌ها با یکدیگر دانست. بر این باور، همان طور که برای همکاری و مناسبات اقتصادی درون سازمانی، رهنمودها، قواعد، خط مشی‌ها و ضوابط روشنی در اختیار تعاونی‌ها قرار دارد، اتحادیه بین المللی تعاون می‌بایست برای توسعه همکاری مابین تعاونی‌ها، ساز و کارهای مناسب را تهیه و در اختیار سازمانهای تعاونی تا سطوح ملی قرار دهد. در این صورت ارتباط و همکاری به عنوان یکی از مأموریت‌های ارتباطی و همکاری سازمانهای تعاونی مورد توجه قرار خواهد گرفت و به دلیل شفاف و روشن بودن شیوه کار و عمل جای هیچ گونه ابهامی را در اذهان اعضا و مدیران و سایر تعاونگران مسئول نخواهد گذاشت.

- اتحادیه بین المللی تعاون، طبیعتاً آگاه است که هنگامی که اصل ششم یعنی همکاری و مشارکت در بین سازمانهای تعاونی در دنیای کنونی می‌تواند جنبه عملی و اجرایی مطلوبی به خود بگیرد و موجبات توسعه اقتصادی سازمانهای مزبور را فراهم سازد که علاوه بر ترویج تفکر و فرهنگ همکاری ما بین تعاونی‌ها، کد، کانال و پیام ارتباطی مناسب را تنظیم و سازمانهای تعاونی را در اقصی نقاط گیتی متقاعد سازد این سیستم ارتباطی و عناصر آن را در جریان فعالیت‌های برون سازمانی



و به ویژه همکاری‌های مشترک به کار گیرند. عناصر این سیستم ارتباطی به شرح زیر قابل بررسی است:

الف) کد (رمز) ارتباطی: در دنیای تعاون، فلسفه، اصول و قواعد اقتصادی تعاونی یک رمز و زبان شفاف ارتباطی است. یعنی همه نشانه‌ها و علائم و در واقع زبان ارتباطی کاملاً مشخص و کمبود و خلأ چندان محسوس احساس نمی‌شود. هر یک از سازمانهای تعاونی در جغرافیای امروز، جهان دارای زبان مشترک هستند که به کمک آن به آسانی موفق خواهند شد به درک متقابل نائل شده و بساط همکاری و اشتراک مساعی را بگسترانند.

ب) کانال (مجرای) ارتباطی: در وضعیت کنونی، طبیعتاً کانال مناسب و مؤثر ارتباطی مابین سازمانهای تعاونی در جهان کماکان «اتحادیه بین المللی تعاون» خواهد بود. در این اتحادیه، بیش از یکصد کشور عضویت دارند، و اتحادیه مزبور دارای پنج دفتر منطقه‌ای در پنج گوشه جهان است، همکاری سازمانهای بین المللی اعم از سازمان ملل متحد، یونسکو، کار و ... را جلب کرده و حامی خود نموده است. دستاوردهایی که در مقدمه این نوشتار بیان گردید، همه در تأیید این مطلب است. بنابراین، اتحادیه بین المللی تعاون قادر است یک کانال ارتباطی مؤثر برای ساماندهی فعالیتهای ملی و بین المللی سازمانهای تعاونی باشد. کما این که در این زمینه نیز به موفقیت‌هایی نایل شده است.

ج) پیام و قواعد ارتباطی آن: قواعد ارتباطی در واقع مختصاتی است که «ارتباط» بین چند فرد یا سازمان بر آن اساس رخ می‌دهد. «قواعد» نشان دهنده و معین آن است که زبان ارتباطی و کانال ارتباطی در کدام زمینه و بستر و در چه چارچوبی تنظیم شوند تا رویکرد ارسال و گرفتن «پیام» به نحوی عمیق، پایدار و قوام یافته صورت پذیرد. به دیگر سخن، زبان، کانال و پیام می‌بایست همانند نقشه‌ای تنظیم و طراحی شوند که چگونگی برقراری ارتباط را به ارتباط گران نشان دهد. ارتباط گران بدانند چگونه از زبان و کانال ارتباطی

برای ارسال پیام خود در ابعاد همکاری در سطوح مختلف تعاونی‌ها بهره‌گیری کنند.

قواعد ارتباطی را می‌توان وجود سیاستها، خط مشی، رویه‌ها، رهنمودها و حتی گاهی مقررات دانست که از سوی اتحادیه بین المللی تعاون می‌بایست تهیه، تنظیم و توصیه شود. برای روشن ساختن بهتر مطلب می‌توان از قوانین و مقررات پیش بینی شده برای اصل اول تعاون بهره جست. به موجب اصل اول، شرایط، نحوه و چگونگی عضویت هر فرد در تعاونی‌ها بر اساس قواعدی به نحو شفاف و مشخص هم برای شخص داوطلب عضویت و هم برای شرکت تعاونی و سایر مراجع و مردم در گستره گیتی کاملاً مشخص و مبرهن است. بنابراین «ارتباط» و پیامدهای آن برای فرد تعاونی با ابهام همراه خواهد بود.

گفتنی است که گرچه رعایت اصل ششم اقدام بسیار اساسی و تأمین کننده منافع اعضاء و تعاونی‌ها است. اما، نکته ظریفی که در این میان وجود دارد، نغدغه‌های خطاطی است که به ویژه تعاونی‌های کوچک دچار آن می‌شوند. همکاری در واقع یک ارتباط دو سویه است که هر دو سوی این جریان ارتباطی با یکدیگر باید به درک متقابل رسیده باشند و به یک نقطه تفاهم برای برقراری رابطه و برخورداری از مناسبات مشترک، نائل گردیده باشند. گاهی به هر دلیل که تصور شود، این همکاری تا حدودی یک ارتباط یک سویه است و به تعبیر دیگر از تمایل یک فرد، یا سازمان به همکاری، فرد یا سازمان مقابل سوء برداشت و استفاده می‌کند. یا این که نتایج و منافع همکاری بیش از آن که نصیب دو طرف شود، نفع یکی از دو طرفین را بیشتر تأمین می‌کند.

تجارب نشان می‌دهند سازمانهای اقتصادی (حتی تعاونی‌ها) نیز در جریان همکاری‌ها، منافع خود را بیش از هر چیز مطمع نظر قرار می‌دهند. یک نکته حساسی است که تعاونی‌ها و به ویژه تعاونی‌های کوچک باید قادر باشند در فرآیند همکاری دو یا چند جانبه‌ای که با سایر سازمانهای تعاونی دارند، استقلال اقتصادی و منافع

خویش را دچار تزلزل، وابستگی و از کف دادن نبینند.

گاهی ممکن است سازمانهای تعاونی گسترده و وسیع حتی برای همکاری با سایر تعاونی‌ها اهداف خاصی در سر داشته باشند که در دراز مدت آن را عملی سازند. ترفندهایی چون پیشنهاد ادغام در گام نخست موجب وابستگی به تعاونی‌های بزرگ شده و در گامهای بعدی، تعاونی‌های کوچک استقلال و مالکیت خود را از دست می‌دهند.

همان طوری که بیان گردید، برای اصل ششم تعاون، زبان، کانال، پیام و قواعد ارتباط باید نسبتاً شفاف و روشن باشد. در زمینه «قواعد ارتباطی» بین سازمانهای تعاونی جای بحث و بررسی فراوان است. گرچه در برخی از تشریحات، کنفرانسهای منطقه‌ای و بین المللی در این زمینه بحثهای زیادی به عمل آمده است و اتحادیه بین المللی تعاون توصیه‌هایی را مشخص و منتشر ساخته است، اما اجرای اصل ششم نیاز به قواعد عمیق‌تر، اجرایی‌تر، جامع‌تر، کامل‌تر، روشن‌تر و شفاف‌تری دارد تا از سوی سازمانهای تعاونی اعم از شرکتها، اتحادیه‌ها و اتاق‌های تعاون، در سطوح محلی، ملی و منطقه‌ای و بین المللی جدی‌تر گرفته شود و زمینه‌های اجرایی مطلوب آن جای ابهام باقی نگذارد.

در صورت تحقق نکات فوق‌الذکر، آن گاه می‌توان امیدوار بود یک سیستم جامع و جهانی همکاری مستمر و متفاوت در ابعاد ملی و بین المللی برای توسعه همکاری سازمانهای تعاونی کاملاً فراهم شده است و اجرای اصل ششم را در همه جهان میسرتر و توأم با موفقیت بهتر و بیشتری خواهد کرد. بدیهی است در همین راستا، در هر کشوری نیز سازمان ملی تعاون آن کشور (در ایران وزارت تعاون) روند توسعه و تعالی را در مسیری منطقی‌تر خواهد پیمود که همه تعاونی‌ها (شرکتها، اتحادیه‌ها و اتاق‌های تعاون) از همکاری‌های مشترک اقتصادی، فرهنگی و ... با یک وحدت رویه مشخص و مآلاً انسجام یافته و هدفمند برخوردار خواهند شد.